

An Account of the Degrees of Being and Divine Farrah (Splendor) in Denkard, Book Three

Seyyed Hashem Moniri¹, Rouhollah Eslami², Seyyed Hossein Athari³

(Received on: 2022-06-14; Accepted on: 2022-10-02)

Abstract

Mazdaism, designated as the official religion during the Sasanian era in Iran, encompasses an inner illuminative dimension intricately connected to cosmology and the world's structure on one hand, and individual moral obligations on the other. In the era marked by the mingling of light and darkness, individuals across social classes adhere to their assigned duties, preventing the emergence of chaos, class divisions, and the coveting of others' possessions. These duties manifest hierarchically in the realms of "Menog" and "Getig," forming the focal point of this research. The primary inquiry revolves around unraveling the foundations of the world's structure and individuals' moral responsibilities as outlined in Book Three of Denkard. Additionally, the study delves into the roles of the nation-guardian and followers of Mazdaism in confronting the chaotic deeds of Ahriman. The findings indicate that the world's creator, the guardian of the nation, and its people, united in a fundamental chain, share a singular objective—overcoming Ahriman. This pursuit involves understanding the extent of "Divine Splendor" (Farrah Yazdani) within each individual, serving as a means to repel Ahriman from the inherently pure world.

Keywords: Book Three of Denkard, Farrah Yazdani (Divine Splendor), khīshkārī, Mazdaism, metaphor of fundamental chain.

1. PhD student, Political Thought, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (corresponding author).

Email: seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir

2. Assistant professor, Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: eslami.r@um.ac.ir

3. Associate professor, Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: athari@um.ac.ir

تبیین مراتب هستی و فره یزدانی در کتاب سوم دینکرد

سیدهاشم منیری^۱

روح‌الله اسلامی^۲

سیدحسین اطهری^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰]

چکیده

دین مزدایی در جایگاه دین رسمی عهد ساسانی از ساحتی باطنی و اشراقی برخوردار است که با کیهان‌شناسی و ساختار جهان از یک سو و تکالیف اخلاقی فردی از سوی دیگر پیوستگی دارد. دوران آمیختگی نور و ظلمت، هر کسی در هر طبقهٔ مردمانه‌ای برابر وظیفهٔ اندازه‌شدهٔ خود رفتار می‌کند و از ایجاد آشوب و تفرقه طبقاتی و چشم‌داشت اهریمنی به خواسته و دارایی دیگران دوری می‌کند. این وظیفه به گونهٔ سلسله‌مراتبی در دو جهان «مینوگ» و «گیتیگ» پدیدار است که هدف بررسی این پژوهش را شکل می‌دهد. پرسش اصلی این است که ساختار جهان و تکالیف اخلاقی افراد بر چه مبنایی در کتاب سوم دینکرد استوار شده است؟ و نقش شوربان و فرد مؤمن به دین مزدایی در مواجهه با آشفته‌کاری‌های اهریمن چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد جهان‌آفرین، شوربان و مردمان در راستای یک زنجیره بنیادین، غایتی جز شکست اهریمن ندارند و این مهم با اندازه‌شناسی فره یزدانی درون هر فرد برای واپس راندن اهریمن از جهان پاک گوهر انجام می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: کتاب سوم دینکرد، فره یزدانی، خویش‌کاری، مزدایی، استعاره زنجیره بنیادین.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، (گرایش اندیشه‌های سیاسی)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران eslami.r@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران athari@um.ac.ir

مقدمه

یکی از مهم‌ترین متون پهلوی عهد ساسانی که مأخوذ از آگاهی‌های کهن کیش‌داران (Pōryōtkēšān) به‌دین، یعنی نخستین شاگردان سپیتامان زرتشت پیامبر که از طریق شفاهی برای ظهور دانش و آگاهی‌های بسیار در هر زمینه تدوین شده، کتاب سوم دینکرد (Dēn-Kard) است (کرده، ۱۴۳۳: ص ۴۲۰).^۱ دینکرد به معنای عمل کردن به دین با اصول زرتشتی پیمان و اعتدال مندرج است (بویس، ۱۳۸۸: ص ۷۶) و بن‌نامه آن از آگاهی‌ها و وحی‌های دین‌مزدایی است که پرتویی از دانایی مطلق اهورامزداست که غایت اصلی آن با مفهوم فرشگرد هم‌بسته است؛ به همین دلیل فراتر از مرزهای جغرافیایی و تاریخی خاص قرار دارد. این غایت از یک سو برگرفته از اندیشه الهی نهاده شده در انسان است و از طرف دیگر، پیکار مردمی زادگان با یورش اهریمن را که بر وظایف و تعهداتی استوار شده است، نشان می‌دهد که با چهار گوهر بنیادین دینکرد به نام‌های دادار اورمزد، زمان نامتناهی، بخت و دانایی هم‌راستا است (کرده ۱۷: ۸۲). بنای این نظام عقیدتی بر پیدایش کیهان، که دو نیروی متضاد سپننه‌مینو و انگره‌مینو، که یکی بر نور و درخشندگی است و دیگری بر تاریکی و حسد و یورش بر آفریدگار و آسیب‌رسانی به آنها قرار دارد، استوار است (دوشن‌گیمن، ۱۳۷۵: ص ۳۷۱).

این نظام دوینی، زیر سلطه اندیشه فرشگرد و کارکرد معین همه موجودات آفرینش قرار دارد که هر کدام برای درمان کردن دردی آفریده شده است (موله، ۱۳۹۵: ص ۴۲۹). کارکرد معین شده بر اساس فره‌ای است که هر موجود مینوی و مادی با کمک از خرد ذاتی و دین برای نبرد با بدی از آن برخوردار است. ماهیت و وجود اهریمن که هدفی جز نابودی و تازش بر آفریده‌های جهان آفرین ندارد، نقطه مقابل اهورامزداست که دو قلمرو مینویی و گیتیایی اصلی‌ترین مفهوم آیین مزدایی را در دو وجود «نور» یا خیر و «شر» و تاریکی به وجود آورده است. در این نگرش، اهورامزدا ایزدی خلاق است. او جهان را می‌آفریند و در برابر او،

اهریمن نیز بدی را به وجود می‌آورد؛ اما آفرینش اهریمن خلاق نیست، بلکه همه از روی «ضدیت» خلق می‌شود (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ص ۶۴).

مبنای ضدیت دو نیروی مینوی، با معیار «آشه» و نظم عادی جهان سنجیده می‌شود که در مرکز نگرش‌های کیهان‌شناسی قرار دارد (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ص ۲۶). بنابراین در برابر جایگاه هستی‌شناسی دین، این ذهنیت آشکار شد که یک زرتشتی باید چه دانشی از دین داشته باشد و چگونه آن را باید بداند؟ آیا شیطان خوب است یا بد؟ راه درست کدام است؟ (Skjærvø, 2011: 192 - 193). در این مرحله متن دینکرد بر اساس متون مقدس تدوین می‌شود تا چارچوبی را برای پاسخ به این ذهنیت فراهم کند که وظیفه و تکلیف این است که به اورمزد فکر کند و او را سرچشمه خیر و نور بداند و از اهریمن پرهیز کند؛ به همین دلیل برای هر کدام از موجودات و پدیدارهای مینوی در جهان بالا و گیتیایی، وظیفه‌ای از طرف دادار اورمزد جهان‌آفرین برای تحقق آن معین شده است.

پژوهش پیش‌رو افزون بر بررسی این وظیفه و چگونگی انجام آن در برابر زدارمینو و بدآوری اهریمنی، به مسئله کشوربان و فرد مؤمن به دین مزدایی که با چه معیاری و بر اساس کدام نیرو انجام می‌گیرد، خواهد پرداخت. برای تبیین این کار، از روش استعاره مفهومی جورج لیکاف استفاده می‌شود که از طریق پیکره‌شناختی متن انجام می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

کتاب سوم دینکرد در نگاه اول دائرةالمعارفی از اعمال دینی و شایست و ناشایست از آموزه‌هایی است که فرد مؤمن به دین مزدایی را برای پیگیری و حل مسئله حمله اهریمن راهنمایی می‌کند؛ اما افزون بر این موارد، در پی تبیین حضور تاریخی و آگاهانه انسان در هستی و زمان است که معنای زندگی، هدف و غایت فلسفی را برای شناخت ناراست از راست، به وسیله خرد خدادادی و فره‌وشی‌های موجود که با فره هر فرد در تناسب است،

فراهم می‌آورد. احمدوند و اسلامی (۱۳۹۹) به نقش امشاسپندان در کمک به آدمی در پیکار با اهریمن و برای کامروایی فردی و اجتماعی اشاره می‌کنند. این همکاری و هم‌یاری با نگاه قدسی و انتظار برای پایان نیک از تاریخ همراه است. دریایی (۱۳۹۷) جایگاه گیتی و نقش «بغ» راکه شاهی خداگونه است، با حفظ نظم، صلح و آبادانی پیوند می‌زند و به مفهوم پادشاهی و کارکرد آن در قلمرو ایران شهر که فراهم‌کننده زمینه پیکار با کژی و ناراستی، هم در مبارزه با آشموغان هم غیرپارسایان مزدایی است، اشاره می‌کند. این مبارزه با دست‌گیری قدرت سیاسی توسط ساسانیان، آیین مزدایی را به یک دستگاه الهیاتی - سیاسی تبدیل کرد. انصافی و احمدوند (۱۳۹۸) این حکمرانی بلامنازع الهیاتی - سیاسی را با به‌کارگیری گفتمان دینی بررسی کرده‌اند و به نقش بازتولید متون پراکنده دینکرد در متن سیاسی اشاره می‌کنند. احمدوند و بردبار (۱۳۹۸) نیز ماهیت دولت در ایران را بر اساس اندیشه شاهی آرمانی بر دو اساس مذهبی و اخلاقی در نظر می‌گیرند که برگرفته از سلطنت آسمانی اهورایی و فزه ایزدی است و به نقش آن که نگهبان اشته در زمین است، اشاره می‌کنند. آذرنوش (۲۰۲۰) و دومناش (۱۹۵۸) کتاب سوم دینکرد را از جنبه بلاغی و جدلی بررسی کرده‌اند. دومناش شیوه قرارگرفتن زبان در خدمت تبلیغات دینی را مورد توجه قرار می‌دهد و آذرنوش نظم کیهانی و اخلاق مزداییان را در نسبت با سنجش ارسطویی درباره رذیلت‌ها و فضیلت‌ها بررسی کرده است. تربیلی (۲۰۱۷) کتاب سوم دینکرد را از جنبه سبک‌شناسی و زبان‌شناسی و در یک رابطه دیالکتیکی الهیاتی بین دو بافت درونی جامعه مزدایی و بیرونی محیط اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌کند و آن را یک متن دفاعی و پاسخی در برابر فشار جامعه قلمداد می‌کند. دومناش (۱۳۸۵) معتقد است دفاع از باورهای سنتی، کاهش موبدان و گسترش اندیشه اسلامی موجب پدیدارشدن ادبیات کتبی و افزایش اصول اقناعی در قرن چهارم گردید؛ به گونه‌ای که بخش پایانی کتاب سوم دینکرد شبیه اندرنامه‌ها شده است. بر این اساس دومناش (۱۳۳۷) معتقد است این اثر دایرةالمعارف دانش مزدیسنی

است که سخن شفاهی و تعلیمات دینی پیغمبرشان را به گونه مکتوب درآورده است و به نوعی با الهیات کیش داران به مقابله برخاسته‌اند. ویلیام (۲۰۱۲) معتقد است مقابله با دیگر مذاهب غیرمزدایی به اندازه‌ای است که مذاهب یهودی و مسیحی به قصد روند محافظه‌کارانه، اجرای کارکردهای استدلالی و تعیین مرز هویت خود مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد. دومناش (۱۹۷۵) نیز معتقد است مخاطب کتاب به طور مستقیم مزداییانی است که تحت سلطه زمانه قرار دارند و به قصد تحکیم ایمان خود و مقابله با سایر ادیان همچون مسیحیت که میان نخبگان ساسانی رو به رشد قرار گرفته بود، تدوین شده است.

اما این پژوهش تلاش دارد برای اولین بار به خود متن (کتاب سوم دینکرد) رجوع کند و ساختار سلسله‌مراتبی هستی را با استفاده از استعاره زنجیره بنیادین که به جایگاه هر کدام از هستی‌ها مربوط است، با فزه یزدانی و غایت انسان در دین مزدایی مشخص کند و به این پرسش پاسخ گوید که ساختار جهان و تکالیف اخلاقی افراد بر چه مبنایی در کتاب سوم دینکرد استوار شده و نقش کشوربان و فرد مؤمن به دین مزدایی در مواجهه با آشفته‌کاری‌های اهریمن چیست؟

۱. چارچوب نظری

ادبیات پهلوی و بیشتر متن‌های دینی غالباً استعاری است؛ به گونه‌ای که فهم تناظرهای میان جهان روحانی و جهان فیزیکی با عبارات استعاری و بر حسب شناخت یک حوزه بر اساس حوزه دیگر فهمیده می‌شود؛ مانند استعاره مفهومی «خدا، نور است» که نور وجه عینی برای شناخت خدا که ذهنی و ادراکی است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقق زبانی این جمله، با نگاشت بین حوزه‌ای دو حوزه مبدأ و هدف ساخت‌مند می‌شود. استعاره‌ها مدل‌های شناختی متعددی را دربر می‌گیرد. یکی از مدل‌های شناختی در زمینه معناشناسی شناختی، حوزه «استعاره‌های مفهومی» جورج لیکاف و مارک ترنر است که با طرح‌واره «زنجیره بزرگ»

شیوه آرایش پدیده‌ها و نیز از جایگاه انسان در جهان درکی مشخص فراهم می‌آورد (لیکاف و ترنر، ۱۳۹۹: ص ۲۵۰). استعاره نزد لیکاف و ترنر نظریه قدرتمند سنتی از استعاره نیست که به واژه‌ها، ابزار زیبایی‌شناسانه یا هنری، شباهت و افراد نابغه یا برجسته محدود می‌شود، بلکه استعاره فرایند اجتناب ناپذیری از اندیشه و استدلال انسان است (کوچش، ۱۳۹۸: ص ۱۲).

«زنجیره بزرگ» که خود مدلی فرهنگی است، وجودها و ویژگی‌های مرتبط با هم را در یک نمودار عمودی مفهوم‌سازی می‌کند؛ به طوری که وجودهای «عالی‌تر» و ویژگی‌هایشان بالاتر از وجودهای «پست‌تر» و ویژگی‌هایشان قرار دارد (لیکاف و ترنر، ۱۳۹۹: ص ۲۵۰). این زنجیره از دو نوع «بنیادین» و «گسترش یافته» تشکیل یافته است. در نوع بنیادین آن، ماهیت هر وجود با وجودهای پست‌تر مشترک است؛ اما ویژگی‌ها و رفتارهایی که تعیین‌کننده سطحی از خصیصه‌ها و رفتارهای ویژه‌اند از وجودهای پایین مرتبه فراتر قرار می‌گیرند و این فراتری به چند دلیل است: الف) مضاعف بودن؛ وجودهای برتر در مقایسه با صورت‌های پست‌تر چیزی اضافه دارند. ب) ترکیبی‌تر بودن؛ پ) نیرومندتر بودن؛ صورت‌های وجود واقع در سطح عالی بر صورت‌های وجود پایین مرتبه مسلط‌اند (لیکاف و ترنر، ۱۳۹۹: ص ۲۵۳).

تسلط وجودهای عالی بر وجودهای پست، جایگاه سلسله‌مراتب و نقش‌های طبقه‌بندی شده را در ذهن تداعی می‌کند که هر صورت وجود نظریه فهم عامه از ماهیت پدیده‌ها را با دانش معمول درباره ماهیت و صورت‌های وجود، مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی می‌کند؛ بنابراین ابزاری است که در دانش همه جانبه ما درباره تمام وجودهای قرارگرفته در زنجیره بزرگ از انسان‌ها گرفته تا اشیا و مفاهیم غیرجاندار کاربرد دارد.

در کتاب سوم دینکرد نیز آموزه‌های آموزگاران و کهن‌کیش داران بهدین جهان را در سه سطح عالی، میانه و پست تدوین کرده‌اند (Dinshaw vevaina, 2015: 219)؛ جهان عالی از «روشنایی بنیاد همه روشنایی‌ها» که اهورامزداست شروع می‌شود و سپس به «گرودمان» (جایگاه سرود و نیایش) که جایگاه نژادگان و سروران و شهریاران و آریاییان نیک تخمه و

آموزگاران و فرهیختگان است، ادامه می‌یابد. گیتی در جایگاه مردمان و آفریده‌های الهی در وسط قرار گرفته است. در این محل نیکویی آمیخته با بدتری و شادی آمیخته با درد و اندوه وجود دارد. گیتی جایگاه آدمیان است با حمله اهریمن که تاریکی و بدتری و رنج و اندوه را بر جهان مادی می‌آورد (Panaino, 2015: 236). پست‌ترین محل، لایه تاریکی نیامیخته با روشنایی است؛ همان نازل‌ترین جایگاه که «زدارمینو» در جایگاه عظیم‌ترین جهل در آن می‌گریزد و پله پله تا دیوان مازندر (کرده ۸۴: ۳۰۲) و دیگر بدآوری‌های متضاد با آفریده‌های اورمزد به صف ایستاده‌اند، ادامه دارد. در این طیف اهورامزدا در رأس قرار می‌گیرد و کشوربان الگویی از او در جهان زمینی است و مردم نیز یاری‌دهنده هر دوی خداوند و کشوربان در مبارزه با اهریمن هستند. هر کدام دارای وظیفه و خویش‌کاری خاص خود در سلسله‌مراتب هستی‌اند تا به مقصد نهایی که همان شکست اهریمن و برپایی فرشگرد باشد، با مدیریت جهانی رزم که بر عهده جهان‌آفرین است، کمک نمایند.

شکل (۱): مدل عمودی استعاره زنجیره بنیادین در سلسله‌مراتب کیهان‌شناسی گیتیانه مزدایی



منبع: (کتاب سوم دینکرد: ۱۳۹۹).

۲. بحث و یافته‌ها

۲-۱. دادار جهان‌آفرین و ستودگان مینوی

اورمزد به معنای «سرور دانا» نامی است که کیش مزدایی به «خدا» داده است (هینلز، ۱۳۹۵: ص ۶۹). او در «روشنی بی‌پایان» قرار دارد (آموزگار، ۱۳۹۳: ص ۱۶) و برخوردار از «علم مطلق، قدرت مطلق و قادریت مطلق» (کرده ۴۰: ۱۴۲)، پُر از نیکی، زیبایی و خوشبویی است و موجود شدنِ ذاتِ وجود او جریانی پیش از کار آفرینش است. او گوهری است که بر همهٔ گوهرها سر است (کرده ۱۳۰: ۴۷۴) و امر بد را اداره نمی‌کند (کرده ۹۴: ۳۲۳)؛ چراکه او تمام خوبی و مطلقاً فاقد بدی است (کرده ۲۲۷: ۹۰۳). همچنین او به دلیل آنکه «همه‌آگاه» (Wisp-āgāh)، همه‌توان (Wisp-tuwān) و «همه‌نیکوخدای» (Wisp-hu-xwadāy) است (کرده ۱۳۰: ۴۷۴)، ذات او برکت بخشی (Abzōnig) (افزون بخشی) است که نیروی هستی بخش مینوی همهٔ نکویی‌هاست (کرده ۲۰۶: ۸۲۶).

از طرفی وجود اورمزد به دلیل علم مطلق، منشأ نظم و نفع مردم جهان و برای همه چاره‌ها، امر واجب‌الوجود است و هرگونه آگاهی در جهان، با هر مرتبه‌ای از نظر مراتب هستی، نیازمند اوست (کرده ۲۶۴: ۹۹۸). این حاکمیت الهی بی‌سبب نیست، بلکه هدف از آن اجرایی کردن رسالت جهان‌شمول بر فراگیری، خاتمیت و پیروزی نیکی بر حمله اهریمن است که وابستگی متقابل دو مفهوم تکوین کیهان و معاد را نشان می‌دهد (شاکد، ۱۳۷۸: ص ۲۲). این پیکار در بستری از «زمان» روی خواهد داد و خود مفهوم زمان عنصری است که جایگاه اورمزد و سرنوشت بدی را تعیین می‌کند؛ به گونه‌ای که آن چیزی که پیش از داداری (کار آفرینش‌گرانه خداوند) وجود داشته است، زمان بی‌کرانه (a-kanārag zamān) بوده است (کرده ۲۷۷: ۱۰۳۴) و آنچه همراه کار آفرینش‌گرانهٔ خداوند (داداری) وجود داشته است، زمان متناهی (کران‌مند) است؛ بدین معنا که کار آفرینش و خلق موجودات از آغاز تا هنگام فرسگرد، زمانی معین و

تعیین شده برای نبرد حتمی بین روشنائی و تاریکی و نظم درست بر پایه اشه است (موله، ۱۳۹۵: ص ۴۳۶؛ شاکد، ۱۳۷۸: ص ۲۷).

هدفی که اورمزد با قدرت محاسبه مبتنی بر خرد انجام می‌دهد، خلقت و استقرار مخلوقات و ساماندهی آنها تا غایت فرجامین است (کرده ۱۲۱: ۴۱۹). این اندازه‌شناسی با همیاری ایزدان (Yazdān) (ستودگان مینوی) که از دانایی (Dānāgīh) / عقل برخوردارند، انجام می‌شود. در دینکرد دانایی / عقل میان مخلوقات، از همه بهتر است (کرده ۹۵: ۳۲۷) و از همه بدتر دُش‌آگاهی (Duš-āgāhīh) / جهالت است. این دانایی و جهالت ارتباط نزدیکی با گزینش مردمان، دلیل خلق هستی و وظیفه آفرینش دارد.

دلیل خلق هستی، جنگیدن با اهریمن و افزودن بر آفرینش و دهش است (کرده ۱۲۳: ۴۳۳)؛ چراکه ماهیت اهریمن، ضدیت با مخلوقات و انسداد اتصال دوباره آفرینش با نیک‌روشی، یعنی به نکویی رفتن به سوی زمان پایانی است. وظیفه مخلوق چیزی جز طرد و حمله به پدیدارهای اهریمن نیست. گوهر تاریکی که از روشنائی پس رانده شده است (کرده ۱۴۲: ۵۲۷) در برابر این حمله و یک‌یک آفریده‌های سپندمینو (Spenāg-mēnōg)، از میان پتیارگان (Petyāragān) (بدآوران) متضادانی را یک‌به‌یک می‌آفریند (Kirrēnīd) و تلاش دارد با یک‌یک آن بدآوران به انهدام همگی مخلوقات اقدام کند (کرده ۱۶۲: ۶۴۳)؛ اما سپندمینو در برابر زدارمینو (Gannāg-mīnōg) برای جلوگیری از آلوده شدن آفریدگان به اهریمن، نیروی ویران‌کننده را بر خود دروج (Druz) باز می‌گرداند.

مهرداد بهار معتقد است: «اهریمن هرگز چیزی نیکو نمی‌اندیشد، نمی‌گوید و نمی‌کند؛ چراکه بایسته نیکویی نیست» (بهار، ۱۳۷۵: ۳۷؛ کرده ۶۱: ۲۰۳). به باور آموزه‌های نویسندگان دینکرد، باید از نیکی پشتیبانی کرد و از گوهر و بن آزارسان پرهیز نمود (کرده ۴۵: ۱۵۵). این پشتیبانی همچنان که گفته شد به واسطه ایزدان و به میانجی امشاسپندان صورت می‌گیرد که در جهان مادی اتفاق می‌افتد. گیتی به عنوان یک جایگاه میانی میان

جهان عالی (لایهٔ روشنایی) و جهان نازل (بن تاریکی) قرار دارد که فروبارش های خرد خدادادی با میانجی فرشته «بهمن» (کرده ۴۰: ۴۱-۴۰) که نخستین آفریده اورمزد است، فرزاندگی را که شریک همه‌گونه آگاهی و نگهدارنده شگفتی های نیک مینوانه است، اعطا می‌کند. پرورندهٔ فرزاندگی و حاکمیت خرد، وظیفه فره یزدانی (Xwarrah) است (کرده ۹۴: ۳۲۳). خرد در جایگاه یکی از چهار اصل گوهر بنیادین (کرده ۱۷: ۸۲) با «دانایی که ذات بهدین است» (کرده ۱۰۹: ۳۶۹) هم‌پوشان‌اند. نیروی اهوراییِ دانایی که از بن روشنایی بر هستی فرو افکنده می‌شود، ابزاری است که با آن مردم می‌بینند و می‌اندیشند. این شیوهٔ راستی که با دو عنصر فضیلت و فره یزدانی پیوند دارد، مخرج مشترکی جز اصلاح اخلاق نیست که از آغاز خلق تا فرشگرد همراه مردمان است. چارچوب سلسله‌مراتبی آن بدین ترتیب است که از اصلاح اخلاق، اعتدال و از اعتدال، عدالت زاییده می‌شود. از عدالت، اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک. از اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک، نیکی مردم پدید می‌آید. از نیکی مردم، خشنودی و قدرت یزدان و رنج و اندوه و طرد دیوان حاصل می‌شود. از خشنودی یزدان (Yazdān) و طرد دیوان، نظم قوای مینوی و تهذیب گیتی و از طریق نظم مینوی و اصلاح گیتی، مخلوقات با فرشگرد پیوند می‌یابد (کرده ۲۲۷: ۹۰۳). بنابراین بن بنان نیکویی از آسان خرد، دانایی گرفته می‌شود و همه موجودات مینوی و گیتیایی هر یک وظیفه و خویش‌کاری (xwēškārīh) خاص خود را دارند (کرده ۳۵۶: ۱۲۱۵).

بر این اساس هر موجودی که از وظیفه و چارچوب اندازه‌شدهٔ خداوندی پیروی کند، یعنی برابر خویش‌کاری خویش رفتار کند، فره یزدانی یعنی کارمایه خدایی در او قوی شده است و هر موجود نیکی که فره یزدانی یعنی همان کارمایه خدایی در او زیاد شود، بیشتر و بهتر و سوی خویش‌کاری خدا نوشت خود می‌کند (مالاندرا، ۱۳۹۱: ص ۱۲۴) و این یعنی یکتایی و باهم‌آیی دوسویه خویش‌کاری و فره یزدانی (کرده ۳۵۶: ۱۲۱۶). به دیگر سخن هر

مخلوق، برای کاری تخصیص داده شده است؛ پس هر آفریده‌ای برای رواج امر آفرینش، به اندازه ظرفیت خلقت خود و به اندازه کارکرد تعیین شده خود، فره یزدانی را با خود دارد (شاکد، ۱۳۸۱: ص ۳۹).

۲-۲. کشوربان (Dahibed) (شهریار نیکو یا Hu-xwadāy)

بر اساس منطق دینکرد و الهیات مزدایی، «گیتی» از جایگاه خاصی در مبارزه با بدآوران اهریمنی قرار دارد (شاکد، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۹) و ساماندهی، نظم و ترتیب، اصلاح امور و اجرای درست بر جهان توسط شهریاران اتفاق می‌افتد. وظیفه شهریاری، حذف ستم در گستره شهریاری خود است و شهریار در سراسر دینکرد، فرزانه خردورز خردپیشه دین دار به شمار می‌آید و دارای فره کیانی (Xwarrah (ī) kayān) (یشت‌ها، ۱۳۹۴: ص ۳۰۹) و دربردارنده زرتشت‌وارترین مردمان است (کرده ۱۶۳: ۶۴۹). در نگاه دینکرد زرتشت‌وارترین اخلاق‌ها، مردم‌دوستی است؛ به همین دلیل «دروج» به شگفت‌ترین روش در پی نبرد با آن است؛ چراکه استقرار جهان مبتنی بر شهریاری است (کرده ۴۱۲: ۱۴۰۱).

کشوربان یا شهریار نیک، افزون بر وظیفه سیاسی و امنیتی از قبیل مقابله با دشمنان (کرده ۴۶: ۱۵۷)، یک وجه ایجابی نظیر حکومت قانون (دادگستری) را نیز دربر دارد که وجود شهریاری را در رهبری اخلاق و هدایت مردم لازم می‌دارد. در اندیشه مزدایی، کارزار (Kārezār) در راه خدا (کرده ۶: ۵۴) و در برابر آن که در کار ضدیت و زیان‌گری بر مردم است، کار بایسته‌ای است (کرده ۴۷: ۱۶۲) که درهم تنیدگی دین و شهریاری را پدیدار می‌کند. در دستگاه فکری مزدایی، ارکان شهریاری متکی بر دین و دین بر شهریاری است (کرده ۵۸: ۱۹۱). با یکی شدن شهریاری و بهدین که ستایش راستی، نکویی و نکوهش دروغ و بدترینی (کرده ۲۱۴: ۸۶۱) و تطبیق پسند آدمی با قانون یا خواست ایزد است (کرده ۳۴: ۲۸)، شهریاری راست و درست استوار می‌شود (کرده ۵۸: ۱۹۱-۱۹۲) و

از راه اتحاد بهدین با شهریاری (پادشاهی دینی مبتنی بر شریعت)، وحدت کلمه ایجاد می‌گردد. با فقدان این اتحاد، شهریاری به بددینی و بددینی به نبود شهریاری می‌انجامد (کرده ۵۸: ۱۹۲)؛ بنابراین دین و دولت و دین و قانون به گونه لاینفک درهم آمیخته شده است (بویس، ۱۳۹۴: ص ۱۲۰) و فقدان یکی از این دو به وظیفه اصلی که گسترش و حفظ «راستی» است، آسیب می‌رساند.

بنابراین ماهیت شهریاری نیکو با نظام‌های استبدادی و اقتدارگرا از اساس متمایز است؛ چراکه وجود شهریاری که جزء برترینان، توان‌گران و زورمندان است، سود و نکویی‌ای که از او سر می‌زند، به آن افرادی که در مرتبه پایین‌تر از او قرار دارد، صادر می‌شود و نکویی گسترش پیدا می‌کند (متن‌های پهلوی، ۱۳۹۱: ص ۶۳). افزون بر این او دارای خصال ویژه‌ای است که به گونه فضایل پدیدار می‌شود. این فضایل عبارت‌اند از: راست‌گفتاری (Rāst-gōwišnīh)؛ شایسته‌سالاری در هر کاری؛ پیروی از شریعت دین و دعای «اهونور» و رفتار متقیانه، مشتاق و کوشا در کار پادشاهی که مجموعه این مؤلفه‌ها، سعادت و خوش‌نامی در پهنه کشور همیشه جاری می‌شود (کرده ۹۸: ۳۳۶). راست‌گفتاری نخستین فضیلتی است که شهیار باید در جایگاه الگوی جامعه خود آن را رواج دهد. این راست‌گفتاری خود نتیجه الگوگیری از اهورامزدا و پادشاهان نیک پیشین است که معیاری برای کردار فرد مؤمن به دین مزدایی به شمار می‌آید (کرده ۱۷۹: ۷۰۶).

افزون بر این او باید به نکویی پادشاه دهد و زشت‌کاری را از خود براند؛ چراکه «گیهان» (gēhān) با عدالت و ثواب‌کاری اصلاح خواهد شد و اساساً کل نظام الهیاتی زرتشتی مبتنی بر اصل پاکی است (بویس، ۱۳۸۸: ص ۷۶). این ویراستگی باید در چارچوب شایسته‌سالاری در هر کاری باشد تا خواسته‌های توده‌ها به خوبی سامان و اصلاح شود. این مؤلفه‌ها پدیدار نمی‌شود جز با پیوستن و بهره‌وری از فروغ (Brāh paywastārihā) الهی که زیردستان را از طریق مطیع کردن اوامر و پرهیزکردنی‌ها متقی می‌گرداند تا گذرگاه داوری

فراخ گردد. بر مدار این منطق، حکومت شاهان نژاده و اصیل، عالی‌ترین فضایل اخلاقی را به مردم متصل می‌کنند؛ از این رو حق حکمروایی دارند. این حکومت با دادگستری کشوربان (کرده ۲۱۶: ۸۶۷) که بر اساس «قانون بهدین» مبتنی بر نیروی بی‌ستمی و نیروی دوری‌گزیدن از ستم است، جریان پیدا می‌کند. بنابراین در دینکرد مفاهیم «خنثی» و «بی‌طرف» وجود ندارد و مناسک مذهبی، سیاسی و قانونی بین دوگانه خوبی و بدی در رفت‌وآمد است (Williams, 2012: 146).

برقراری قانون (دادستان) شهریاری (Xwadāyih dādestān) هنگامی به ظهور می‌رسد که ابزارهای شش‌گانه‌اش مستقر شوند. استقرار شهریاری نهاده شده بر این شش عامل استوار است: شهریاری، دین، آمرزش، زین‌ابزار، گنج و سپاه (Gund) [پاسداران دین] (کرده ۱۳۴: ۴۹۳). هرگاه یکی از این شش عامل بر جای نباشد یا توأمان در یک راستا هم‌زور (Ham-zōr) نباشند، شهریاری بی‌ثبات، متغیر و پرتنش خواهد شد.

۲-۳. مردمان

هویت حقیقی انسان در گیتی در زمان و مکان و در تمام حوزه‌های زندگی بر اساس ارزش‌های مزدایی که خرد خدادادی و پیکار با مظاهر اهریمن است، برجسته می‌شود. مردمان آفریده‌ای است که با دریافت خرد خدادادی، ویژگی‌های خدایی دارند (کرده ۵۲: ۱۸۰) و سرآمد همه آفریدگان گیتی هستند (کرده ۵۱: ۱۷۶؛ موله، ۱۳۹۵: ص ۵۱). ذات آنان نامیرا، ولی کالبد جسمانی‌شان در زمان آمیختگی آفرینش با حمله اهریمن، جدایی‌پذیر است. جهان‌آفرین همه مردم را در زمینه جان و تن و قوه تدبیر و امور، عاری از تباهی و بی‌نقص و عیب آفریده است؛ بنابراین عیب‌ناک شدن ایشان از راه نقصان دانش که تباهی جان و تباهی «اخو» (Axw) (پرتوی از عقل الهی در هستی) است، ممکن می‌شود (کرده ۴۵: ۱۵۴). این عیب‌ناکی به آشفتگی در نظم کارها منجر می‌شود که ریشه در افراط‌کاری تهی از

اعتدال و تفریط تهی‌کننده نظم دارد؛ به همین دلیل همهٔ نقصان‌ها معلول دشمن‌آفرینش، یعنی برخاسته از آزاررسان آفریده‌های خداوند است. راه‌حل آن نیز برای جان، دانش است؛ برای تن، تندرستی؛ برای چیزها، آبادانی و برای تدبیر امور، نگه‌داشت اعتدال است. این تدبیر زندگی بدون اتکا به کشوربان نیست که حافظ دادگستری، نظم و دادگری برآمده از خرد خدادادی اورمزد است. این بستر شرایط را برای هم‌تراز شدن (هم‌آهنگ شدن) با مقصود اورمزد و مصونیت از بدکرداری فراهم می‌کند. برآمدن مصونیت نیز از راه طینت نیک و خرسندی خردورزانه شدنی است؛ برعکس بدطینتی و بدخویی، بوالهوسی (Waran) و کار خوددوستی به بیراهه خواهد رفت (کرده ۵۳: ۱۸۲).

چارچوب و خرسندی هر کسی وابسته به هر طبقهٔ اجتماعی که باشد، از یک طرح پایانی اندازه شده برای رستگاری روان و محدوده وظیفهٔ شرعی‌شان تدوین شده است تا در این چارچوب اندازه‌شده وظایف، آیین‌ها و خویش‌کاری مردمانه خود را به کمال انجام دهند. این کار پارسایانه بر اداره هنرمندانه خرد که اندازه ظرفیت برآمده از آفرینش دادار در فطرت مردمان است، نهاده شده است (کرده ۶۸: ۲۲۶). این کار برتر آن است که دیو دروغ را سرکوب کند و جهان پارسایی را به بیشترین اندازه افزایش دهد (کرده ۶۹: ۲۳۴). هر طبقه در کار برکت بخشی (فراوان‌دهشی) به گیهان از قوه‌گزینش خود، حال یا برای پرهیز از گناه یا توان ارادی بر گناه‌ورزی استفاده می‌کند که در دو جهت مخالف هم قرار دارند (کرده ۹۰: ۳۱۳). به سخن دیگر مردمان فاعلِ مختار (Āzād-kām) در گیتی هستند (کرده ۱۷۴: ۶۸۵)؛ بدین معنا که خداوندگاری مردم بر اراده و میل‌شان در پذیرفتن یا نپذیرفتن ثواب یا گناه‌شان است (کرده ۱۷۳: ۶۸۲).

این‌گزینش‌ها با معیار خرد و برای هر طبقهٔ اجتماعی انجام می‌شود (کرده ۲۲۳: ۸۸۷). مردم سودمند وسعت‌دهنده جهان، آن کسانی‌اند که خرد خدادادی‌شان نیک است و در انجام وظیفه کوشا و در دین‌داری به‌دین‌اند (کرده ۲۲۸: ۹۰۹). مردم با انجام جدی وظایف‌شان از

جنبه گیتی و بادین‌داری‌شان از راه مقتدرکردن یزدان، از جنبه مینوی، جهان را به توسعه (افزاینده‌گی) می‌رسانند. آن‌که در انجام وظیفه از همه کوشاتر است، از همه بیشتر فره یزدانی به وی بخشش شده است. چنین کسی دورترین جای از دیوان و دورترین جایگاه به «پاد فره دیوی» (Duš-farragīh)، یعنی جایگاه ضحاک ایستاده است (کرده ۲۳۲: ۹۲۲). به بیان دیگر کسی فره یزدانی‌اش درخشندگی گرفته است که وظیفه خود را نیک انجام داده است (کرده ۲۴۵: ۹۵۱). انسان نیک با اهل خانه مهربان و همواره در رامش است، دروج را از تن خود بیرون می‌کند و روان درستی دارد و بر آنچه پیش آمده است، خرسند است. برعکس اگر دیو دروج او را به ستم‌کامگی، جدال با مردم و خانگیان و وظیفه‌نشناسی رهنمون کند، وظیفه خود را به درستی انجام نداده و فره یزدانی‌اش زده خواهد شد.

کار نیک و وظیفه‌شناسی با دانایی (Dānāgīh) (کرده ۲۴۹: ۹۶۱) و راست‌گفتاری (Rāstīh-gōwišnīh) (کرده ۲۶۲: ۹۹۱)، در هم تنیده شده است. در اینجا حد جداسازی میان مهتری و کهتری با خرد روشن می‌شود (کرده ۲۷۰: ۱۰۱۶). نویسندگان دینکرد تأکید دارند آن‌که نیک‌نهاد و نیک‌کردار باشد، با کمک دانش و دانایی کارها را به سرانجام دانش‌ورانه و نیک آن خواهد رساند؛ برعکس اگر کسی بدنهاد و بدکردار باشد، دانش به وی در زمینه بدنهادی و بدکرداری کمک خواهد کرد (کرده ۱۴۴: ۵۴۱). بنابراین سه مؤلفه دانایی، دانش و وظیفه با خرسندی و ناخرسندی از مهتری و کهتری در ارتباط است که فره یزدانی‌کانون آن در کسب یا زدایش از آن قرار دارد. چنانچه علامت فره یزدانی درخشندگی مردمان بدین ترتیب است که مهترانشان از راه معرفت دینی و تجویزهایش و با فرمان‌بری کهتران، پیشوایی می‌کنند و کهترانشان با پیروی از پرسش و پاسخ‌های دین‌ورانه و حرف‌شنوی درست، از مهتران دین‌دار پیروی می‌کنند. بر اساس دستگاه اندیشگی مزدایی، مهتری و کهتری به صورت عمودی؛ فرادستان از این فرادستی، کمال‌اندیش و سبک‌بارند و فرودستان از این سروری خشنودند (کرده ۱۵۵: ۵۷۶). علامت نشیب‌گرفتن فره یزدانی دسته‌ای از مردمان نیز چنین

است: مهتر مردمان، از راه دین نادرست و اندرزهای بددینی و کژآگاهی، با فرمان‌پذیری ناخشنودانه پیروی کنند؛ کهتران از ستایش یزدان بپرهیزند و سخن ناشنواز مهتران باشند؛ سروران گران‌بار از این سروری‌اند و فرودستان نیز از فرادستی آنان ناراضی‌اند و سرانجام آنکه سروران از بد حادثه، به سقوط و ادبار تن در دهند و فرودستان، آهنگ فرادستی در پیش گیرند (کرده ۱۵۵: ۵۷۷).

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

استعاره «نخستین» در سلسله‌مراتب موجودات مینوی و گیتیایی، در اهورامزدا پدیدار می‌شود که افزون بر کتاب سوم دینکرد، در گائاه‌ها و هرمزدیشت، ویژگی‌های برتری آن نمودار است. کتاب سوم دینکرد تلاشی ایدئولوژیک (DeMenasce, 1975: 7)، برای مفهوم «حاکمیت» دادار و تبیین جایگاه او در سلسله‌مراتب آفریده‌ها در جایگاه نخستین در هستی، آفریدگار «وهومنه»، «اشه» و دیگر «امشاسپندان» است که داور و دادگر اعمال جهانی است (گات‌ها، ۱۳۹۴: هات ۳۱، بند ۸). او زورمندترین (هرمزدیشت، ۱۳۹۴: بند ۸)، آفریننده، نگهبان و مقدس‌ترین خرد چاره‌بخش (هرمزدیشت، ۱۳۹۴: بند ۱۲)، دادگرتین شهریار که جویای سلطنت نیکی است (هرمزدیشت، ۱۳۹۴، بند ۱۳) و کسی که نمی‌فریبید و نه فریفته می‌شود، در منابع زرتشتی و زَند اوستا نام برده شده است. حضور همه‌جانبه او در هستی، چه در آفرینش موجودات و چه در هدایت آنها، همچنین حضور او در ضمیر روشن آدمی به واسطه سپندمینو، هژمونی، دانش و سلطه را در دیالکتیک دین و قدرت، پذیرای موجودات می‌کند (مزداپور، ۱۳۹۴: ص ۱۰۰). دادار جهان‌آفرین همراه امشاسپندان که «وهومنه» در اولین مرتبه و بر جانب راست او نشسته است (کریستین سن، ۱۳۸۸: ص ۵۲)، فره‌ایزدی را بر موجودات گیتی صادر می‌کند تا به سرکوب و زایل کردن بدآوری بپردازند. رهیافت عملی (هیچ انفعالی در اندیشه مزدایی مورد تأیید نیست) و دستیابی به

راستی و روشنایی، مهم‌ترین اصل در سامان اجتماعی و الهیات مزدایی است که با معیار خرد شناخته می‌شود. قانون دین اهورامزدا، راستی و میانه‌روی (اعتدال) فراگیر و دوری از افراط و تفریط اهریمنی است. در آفرینش‌شناسی دادار او به انسان خرد داده است تا نه تنها بر طبیعت فرمان براند، بلکه خدای‌گونه جهانی نو، آبادان، افزون‌بخش و سخاوت‌مندانه بیافریند تا گیتی را از الگوی طبیعی - کیهانی، بازآفرینی نماید (کاویانی، ۱۳۸۵: ص ۲۸).

کیهان‌شناسی مزدایی، بازآفرینی را در دو اصل نیک و بد که یکی اهورامزدا، ساکن در «روشنایی بی‌کران» و با استعاره «بالا، فضیلت است» و اهریمن در «تاریکی بی‌کرانه» و با استعاره «پایین، رذیلت است»، مفهوم‌سازی می‌کند. دو بُن‌یادشده، یکی سرشار از خرد و همه‌آگاهی است و دیگری به پس‌دانشی و میل به نابودگری مصمم است (زهر، ۱۳۸۴: ص ۱۵۰). کشوربان نیز که المثنای گیتیایی سلطنت مینوی جهان‌آفرین است، کارکردهای او را در مبارزه با اهریمنان، چه در مبارزه با «انیران» و چه با خصایل اخلاقی و گیتیانه درون سرزمین‌های ایران شهر بر عهده می‌گیرد. حمایت از مزداییان و مبارزه با «آشموغان» (Āsrōnīh) و دیگر مذاهب مانند یهودیت و مانی‌گرایی از جمله وظایف شهریار نیکوست. حاکمیت او بر اساس مشروعیت برگرفته شده از فره‌یزدانی حلول یافته بر فره‌کیانی است که از طرف اهورامزدا کسب می‌کند (پاناینو ۱۳۹۹: ص ۷۱)، نژاد و تخمه اصیل و نقش مرکزی او در رابطه با اعمال دینی و جایگاه مذهبی اش با عنوان رسمی «مزدیسن»، به معنای پرستنده آفریدگار یگانه مزدا نامیده می‌شود (یسنا، ۱۳۸۷: ص ۱۱۵ - ۱۱۶).

رابطه تنگاتنگ دین و شهریاری، جایگاه آسرونی (āsrōnīh) (روحانیت) را به عنوان بالاترین طبقه اجتماعی (کرده ۶۹: ۲۳۴) و نقش «هیربستان» را به عنوان سازوبرگ ایدئولوژیک دولت و تربیت نیروی انسانی برای مشروعیت‌زایی حکومت نشان می‌دهد. ترکیب پیچیده ساختارهای ذهنی و سازه‌ای با تأسیس مدارس مطالعات مذهبی چون «هیربستان» که شامل مرد، زن و حتی بچه می‌شود، به بازسازی و بازتولید متون شفاهی از جمله «استوت

یسنان» می‌پردازد تا با ازبرکردن آن را به نسل‌های بعدی انتقال دهند (هیربدستان، ۱۴۰۱: ص ۹۱). بستر و احداث سازه‌های این چنینی وظیفه شهریار است که در دوره اوج اقتدار پشתיبان دین ایرانی است و دین ایرانی نیز پشתיبان حکومت خود است. صورت عکس آن چنین است که گستره پادشاهی نابکار، جهالت، دروغ‌زنی و شرارت است (کرده ۹۶: ۳۳۰) که پیامد آن سربرآوردن دیوان، آلوده شدن گیهان از طریق بی‌عدالتی و بالاگرفتن جهالت، دروغ‌زنی و هجوم شریان است. در اینجا نیز با دو استعاره «اهمیت، اندازه است» و «اهداف، مقصد است» روبرو می‌شویم. مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌مندی شهریاری، به عنوان حوزه هدف و رواج آیین‌مزدایی و جایگاه آسرونی، حوزه مبدأ آن است. افزون بر این کل پیکره دینکرد با استعاره «سیاست، دین است» و «ملت، شخص است»، مفهوم‌سازی می‌شود؛ بدین دلیل که کشوربان (شهریار نیکو)، افزون بر آنکه میان مردم در جایگاه «رزم‌بان» شناخته می‌شود، «فرزانه مجتهد دین» (Dēn dastwar) نیز هست. اهمیت وجود کشوربان به حدی است که هم بر تن مردمان هم بر روان مردمان برای هدایت آنها فرمانرواست (کرده ۱۴۵: ۵۴۳)؛ به همین دلیل حتی اگر ذره‌ای ستم بر کسی در گستره کشوربانی او رود، به تضعیف اقتدار او منتهی خواهد شد (De Menasce, 1975: 228).

مردم نیز با شناخت جهان‌آفرین و کشوربان خود، جایگاه خود را در گیتی و وظیفه خود را برای سرکوب اهریمن پیدا می‌کنند. این شناخت از هنگام بلوغ با چند پرسش از خود آغاز می‌شود که «کیستم و که را خویشم و از کجا آمده‌ام و باز به کجا خواهیم رفت و از کدام پیوند و تخمه‌ام و مرا چه خویش‌کاری گیتی هست؟» (عریان، ۱۳۹۸: ص ۱۵۱). شناخت مورد نظر با همراهی خرد خدادادی و تحت رهبری دینی و شهریار نیکو به باید و نباید آگاهی می‌یابند (کرده ۸۳: ۳۰۱). هر اندازه که دانایی نیرومند شود، به همان اندازه فرماندهی سپندمینو فزونی می‌گیرد و دانایی بر جاهلیت مسلط است. قوه‌گزینش، آزادی انتخاب نیک و بد را میسر می‌کند (Jackson, 1965: 132 - 133). استعاره «زندگی، راه است»، حوزه مبدأ گیتی

را به حوزه مقصد ذهنی زیست مردمان پیوند می‌زند. در این مسیر مردم چهارگونه‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: متمایل به پارسایی روان و پیرو مجتهد نیکو، متمایل به پارسایی روان و پیرو مجتهد کثروش، متمایل به خواهش تن‌پرستانه و پیرو مجتهد نیکو و در بدترین حالت ممکن، متمایل به خواهش‌های تن و پیرو مجتهد نابکار (کرده ۹۷: ۳۳۲). پارسایی روان و رستگاری مردمان، با نبرد با اهریمن پیوند خورده است؛ چراکه گیتی محل مبارزه است و «سالار رزم جهانی، مردمان‌اند» (کرده ۱۲۴: ۴۵۴).

پیکار مردمان و آفریده‌های گیتی بر ضد زدارمینو و دیو «اکومن» که در اندیشگی و منش ریخته می‌شود، با استعاره «جنگ، دین است» مفهوم‌سازی می‌شود و وظیفه اخلاقی تک‌تک مردمان را یادآور می‌شود. «روان، از طریق فروهر (Frawahr)، قوه خودآگاهی (Bōy) و جان (gyān) و از رهگذر ابزارمندی تن، برای وظیفه‌ای که برای انجام کار بی‌عیب مقرر شده، فرستاده شده است و وظیفه آن سرکوب جنگ‌آورانه دروغ است. دینکرد این وظیفه را با «استعاره سوارکار» مفهوم‌سازی می‌کند: «چون سوارکار، با زین ابزاری اسب در کار زدن و کشتن و سرکوب دشمن است» (کرده ۲۱۸: ۸۷۳). در این گزاره استعاری سلسله‌مراتبی، سروری و فرماندهی روح بر تن با یکدیگر پیوند خورده است.

رستگاری روان و نبرد با اهریمن، پیوند نزدیکی با خویش‌کاری و فره‌یزدانی دارد (Zaehner, 1961: 273)؛ به اندازه‌ای که هر انسانی که در انجام وظایف خداپسند خود بکوشد و هر اندازه آن کوشش باورمندانه‌تر و ژرفانه‌تر باشد، به همان اندازه از بارش‌های فره‌های یزدانی بهره می‌برد. با باورمندی مردمان به بهدین، هم‌تراز یزدان می‌شوند و روان آشموغ دروغ‌کار در فروپایه‌ترین پایه‌های دوزخ تجسد می‌یابد (کرده ۲۲: ۹۴). در اینجا نیز با سلسله‌مراتبی از استعاره‌های جهتی - فضایی (Spatial Orientations) جهان مینوی (بالا) و جهان دوزخ (پایین) روبرو می‌شویم. این فراز و فرود به اندازه ماده فره‌یزدانی آنها مرتبط است؛ بدین ترتیب که میزان فره‌شان به اندازه انجام معتقدانه وظیفه آفرینشی‌شان است و کسی که به سبب وظیفه‌شناسی در کار

کاهش ارج خدایی خود است، در کار کاستن از فره یزدانی خود نیز می باشد (کرده ۳۶۱: ۱۲۲۶). برخلاف انتظار که دستگاه الهیات مزدایی بر قوه «گزینش» تأکید دارد، ما با فقدان «آزادی» مواجه هستیم. این گزینش منوط به کار «خیر» است و آن را زندانی چارچوب مشخص الهی با یآوری ایزدانی چون بهمن، ارد (Ard)، ارومد (Arōmad) و سروش (Srōš) برای پاسبانی از میل اراده و زبان مردم می کند (کرده ۳۶۴: ۱۲۳۸). نوعی محافظه کاری ایستایی برای حفظ و نگهداری سرزمین تحت سلطه کشوربان و پیروی بی چون و چرا از اوست. مخالفت با او، مخالفت با دادار شناخته می شود و با برچسب آشموغ و بددین مواجه می گردد.

مردمانی که بین ملائکه و حیوانات در مرتبه متوسط قرار دارند، نیروی بصیرت خود را از طریق اتحاد دانایی شنیداری و دانایی دینی و از طریق تدارک نیروی فطرت، که در نهاد آنها قرار دارد، کسب می کنند (De Menasce, 1975: 356). نتیجه این دانایی، خرسندی و خویش کاری از طبقه خود است. مردمان لطف گیتیانه الهی را که از سوی یزدان بر آنها ارسال می شود، سود در نظر می گیرند و با نرسیدن آن «خیر» می پندارند. در دستگاه اندیشه مزدایی، مردم نماینده خدای اند و صورت گیتاییی اورمزد را حمل می کنند و قدرت همه انواع مردم در یک نیکو شهریار، یعنی همان کشوربان سرزمین خلاصه می شود. مردمانی که یاری ده خداوندند، وظیفه ای جز اتکا بر کشوربان، باور عمیق به بهدین و پیکار با اهریمن تا هنگام پدیداری سوشیانس و نبرد نهایی با اهریمن ندارند. با شکست اهریمن و برپایی فرشگرد، تن پسین که کالبد آن جهانی پیرنشونده نامیراست، در روشنایی جاویدان خواهد شد. نگاه قدسی به تاریخ و پایان انتظار نیک، بر خلاف آموزه مزدایی، جایی برای «اراده» و «تغییر» مردمان نمی گذارد و نگاه «جبری» و از بالا به پایین، مسیر گیتی و نبرد با اهریمن را مشخص می کند. در این صورت مردمان و امشاسپندان در جایگاه یاری دهندگان خداوند، با وجود همه آنچه برگزینش، انتخاب و یاری تأکید شده است، توان و قدرت لازم را در نبرد با اهریمن ندارند. مشخص نیست «شر»ی که هستی جداگانه با هستی «نیک» دارد، چگونه در زمان کرانه مند در برابر

تک تک آفریده‌های الهی، به پادآفریدگی روی می‌آورد. با وجود آنکه، در جهان پایین قرار دارد؛ اما قدرت بالایی در جهان مینوی و گیتیایی اعمال می‌کند.

نتیجه

دادار جهان‌آفرین، کشوربان و مردمان در یک سلسله مراتب وجودی قرار گرفته‌اند که با کسب فره یزدانی و انجام خویش‌کاری تک تک آفریده‌های نیک، وظیفه‌ای جز پیکار با زدارمینو و بدآوری‌های اهریمنی در گیتی ندارند. این خویش‌کاری از موقع تولد تا پایان جهان که برپایی فرشگرد است، استمرار دارد. پایداری و استمرار آن، بر اساس وظیفه‌ای است که بر موجودات از روشنی بی‌پایان تا موجودات زمینی بر اساس «استعاره زنجیره بنیادین» مفهوم‌سازی شده است. این استعاره از زیراستعاره‌هایی چون «جنگ، دین است» و استعاره‌های جهتی - فضایی مانند «فضیلت، بالاست»، «رذیلت، پایین است» ترکیب شده است. هر کدام از موجودات مینوی و گیتیایی از هنگام خلقت از وظیفه و خویش‌کاری ویژه‌ای برخوردارند تا بر اساس اندازه‌شناسی دادار جهان‌آفرین، بر افزون‌بخشی وسعت دهند و در برابر پادآفرینی‌های زدارمینو به پیکار برخیزند. وظیفه و خویش‌کاری آفریدگان ارتباط تنگاتنگی با خرد خدادادی و درمان آلودگی‌های جهان، هم در مورد تن هم در مورد روان دارد؛ چراکه حمله اهریمن هر دوی این حوزه‌ها را هدف قرار می‌دهد. هدف یورش‌ها افزون بر جهان، بر زرتشت‌وارترین موجود، یعنی شهریار فرزانه مجتهد کشوربان، سپس پارسایان روحانی و بعد مردمان است. هر کدام از این طبقات از راه نیایش آسرونانه یزدانی، به شناخت جهان‌آفرین و بازشناخت ثواب‌ها و گناهان روی می‌آورند تا شکست نهایی اهریمن و برپایی فرشگرد تحقق یابد.

بنابراین ساختار سلسله‌مراتبی کیهان‌شناسی مزدایی، از دادار جهان‌آفرین همه‌آگاه، شهریاری نیکوی فرزانه خردورز خردپیشه دین‌دار و باورمندان مزدایی که اندیشه‌آهورایی

در پیکر مادی دارند، تشکیل شده است. در این سلسله مراتب هستی، هر پدیده رو به سوی فرجامی خدانوشت دارد و هر آفریده‌ای برای کاری تخصیص داده شده است. پس هر آفریده‌ای برای رواج امر آفرینش، به اندازه ظرفیت خلقت خود و به اندازه کارکرد تعیین شده خود، فره یزدانی دارد. غایت مردم و شهریار، تثبیت، سازمان دهی، پیراستن و خوب پیش بردن شهریاری بر جهان و نیز بر یکایک مردمان است. تکلیف دینی هر فرد نیز بر ایفای شایسته تکالیف مربوط به خویش کاری مبتنی است. مجموع کنش‌های انسانی، ویژگی آیینی دارد و اساس بنیادین کیهان‌مزدایی، آفریدن پدیده‌های موجود برای پیکارکردن با بدی و به فرجام‌رساندن فرشگرد است که جهان‌بینی دین‌مزدایی را با تقدیرگرایی نشان می‌دهد. این تقدیرگرایی در یک سلسله مراتب از بالا به پایین بر اساس فره‌ای که به هر انسان داده شده است، انجام می‌گیرد. بنابراین زنجیره بنیادین بدین قرار است که اورمزد جهان‌آفرین برتر از هر شهریار گیتیانه است و دین‌مزدایی از آنجا که تخمه و اصل هر دانشی است، از همه دانش‌ها برتر است؛ سرانجام مردمان که خداوند تن‌مند شده‌اند، بر دیگر آفریده‌های گیتی سروری دارند.

گفتار پایانی

۱. خرد خدادادی، عقل فطری (Āsn-xrad)؛ مؤلفه‌ای است که مردم در دوران آمیختگی نور به ظلمت، آنها را به بصیرت کامل راهنمایی می‌کند. این راهبری شامل خرد خدادادی، خرد شنیداری، فرمان‌های دینی در چارچوب پرهیز و کنش *pahrēz (ud) kunišn* (امر به معروف و نهی از منکر) و سرپرست دینی دارای مرجعیت در بازداشتن مردم از گناه است (کرده ۱۰۶: ۳۵۵). در واقع خرد، دانش و راستی یک کلیت هم‌بسته برای نیل به رستگاری است. همچنین چون آفرینش مردمان در مرتبه متوسط است، کسانی که نیروی خرد خدادادی‌شان به اعلی‌ترین پایه رسد و در اعلی‌ترین پایه شکوفایی در خرد شنیداری

باشند و از طریق این دو خرد، خوی‌شان به کمال تهذیب رسد، میان مردمان به برترین پایه در دانایی می‌رسند؛ یعنی مرتبه امشاسپندان و آن کسانی که از طریق آسیب‌ناکی، خُلق و خوی نازل‌تری دارند، از نظر آفرینشی هم‌تراز چهارپایان قرار می‌گیرند (کرده ۳۹۴: ۱۳۳۱). بنابراین جایگاه خرد خدادادی در انسان، فصل‌میز او بین ملائکه و حیوانات است.

۲. پادفرّه دیوی؛ یعنی مردمی که وظیفه‌شناس‌اند و وظایف دینی و انسانی خود را نیک انجام می‌دهند، مشمول فروغ‌ایزدی (= فرّه) می‌شوند و برایشان بیشتر می‌رسد و در برابر فروغ‌کُشی‌های (= پادفرّه) دیوی محافظت شده‌تر می‌شوند (کرده ۲۳۲: ۹۲۲). به دیگر سخن هرچه در انجام وظیفه کوشاتر، بهره‌مندی بیشتری از فرّه یزدانی می‌برند و برعکس اگر خویش‌کاری و وظیفه دینی و انسانی خود را انجام ندهند، نزدیک‌تر به پادفرّه دیوی یعنی جایگاه ضحاک و پادآفریده‌ها (= متضادان مخلوق) ایستاده‌اند.

۳. بر اساس منطق دینکرد، با فروکش کردن فرّه کیانی، شهریار سر به آشوب می‌گذارد و با آشفته شدن پایه‌های آن، مردمان به نابودی می‌روند که نتیجه آن رواج دین‌مزدایی به تأخیر می‌افتد و پیکار با اهریمن فراهم نمی‌شود و با این وضعیت مردمان از رسیدن به فرشگرد با مانع مواجه می‌شوند و این به سود و میل اهریمن است. بنابراین نقش شهریار در مبارزه با اهریمن مشخص می‌شود. در الهیات مزدایی، شهریاری همان دین و دین همان شهریاری است (کرده ۵۸: ۱۹۱).

پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش به کتاب سوم دینکرد زیاد ارجاع داده شده است و رویه آن بدین ترتیب است که ابتدا کرده و سرانجام صفحه مورد نظر قرار داده شده است؛ برای مثال (کرده ۴۲۰: ۱۴۳۳). کتاب اساس مورد استفاده نویسندگان این مقاله بر اساس ترجمه پارسی ویراست دوم کتاب سوم دینکرد با ترجمه فریدون فضیلت، انتشارات برسم است.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۹۳ ش)؛ تاریخ اساطیر ایران؛ چ شانزدهم، تهران: سمت.
- احمدوند، شجاع و روح‌الله اسلامی (۱۳۹۹ ش)؛ اندیشه سیاسی در ایران باستان؛ چ سوم، تهران: سمت.
- احمدوند، شجاع و احمدرضا بردبار (۱۳۹۸ ش)؛ «مبانی دینی دولت در ایران باستان از دوره اساطیری تا دولت هخامنشی»؛ دولت پژوهی، دوره ۵، ش ۱۹.
- انصافی، مصطفی و شجاع احمدوند (۱۳۹۸ ش). «دین و دولت در عهد ساسانی؛ درآمدی بر الهیات سیاسی زرتشتی»؛ رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، ش ۱.
- بویس، مری (۱۳۹۴ ش)؛ «ادبیات فارسی میانه» در: سه گفتار درباره ادبیات ایران پیش از اسلام؛ ترجمه: یدالله منصوری؛ تهران: آوای خاور.
- بویس، مری (۱۳۸۸ ش)؛ جستاری در فلسفه زرتشتی (مجموعه مقالات)؛ مترجمان: سعید زارع، سعیدرضا منتظری و نیلوفر سادات نواب؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵ ش)؛ پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دویم)؛ ویراستار: کتایون مزداپور؛ تهران: آگه.
- پانینو، آنتونیو (۱۳۹۹ ش)؛ «پادشاهی مقدس و دیگر جنبه‌های نمادین سلطنتی در ایدئولوژی هخامنشیان و ساسانیان» در: نهاد پادشاهی در ایران باستان؛ گردآوری: تورج دریایی؛ ترجمه: مهناز بابایی؛ تهران: مؤسسه آبی پارسی و پل فیروزه.
- دریایی، تورج (۱۳۹۷ ش)؛ جهان ساسانی (مقالاتی درباره تاریخ ایران‌شهر)؛ ترجمه: مهناز بابایی؛ تهران: فروهر.
- دوشن‌گیمن، ژاک (۱۳۷۵ ش)؛ دین ایران باستان؛ ترجمه: رؤیا منجم؛ تهران: فکر روز.
- دومناش، ژان (۱۳۳۷ ش)؛ «مذهب زرتشت: مذهب رسمی دولتی» در: تمدن ایرانی؛ اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی؛ ترجمه: عیسی بهنام؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دومناش، ژان (۱۳۸۵ ش)؛ «ادبیات زرتشتی پس از فتوح مسلمانان» در: تاریخ ایران؛ از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان و از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان؛ گردآورنده: ر. ن. فرای؛ ترجمه: حسن انوشه؛ ج چهارم، تهران: امیرکبیر.

- رضایی‌راد (۱۳۸۹ش)؛ مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی؛ چ دوم، تهران: طرح نو.
- زهر، رابرت چارلز (۱۳۸۴ش)؛ زروان یا معمای زرتشتی‌گری؛ ترجمه: تیمور قادری؛ تهران: امیرکبیر.
- شاکد، شائول (۱۳۷۸ش)؛ تحول ثنویت: تنوع آرای دینی در عصر ساسانی؛ ترجمه: سیداحمدرضا قائم‌مقامی؛ تهران: نشر ماهی.
- شاکد، شائول (۱۳۸۱ش)؛ از ایران زرتشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان‌فرهنگی؛ ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر؛ تهران: ققنوس.
- عریان، سعید (۱۳۹۸ش)؛ «نگرش توحیدی در دین زرتشتی ساسانی» در: مجموعه مقالات زبان‌شناسی و ایران‌شناسی؛ به کوشش: مریم حاتمی؛ تهران: برسم.
- کاویانی، شیوا (۱۳۸۵ش)؛ «خرد [عقل] در اندیشه ایران باستان و آیین زرتشت» در: روشنان سپهر اندیشه؛ فلسفه و زیباشناسی در پرتو فرهنگ ایران باستان؛ چ دوم، تهران: بدرقه جاویدان.
- کتاب سوم دینکرد (۱۳۹۹ش)؛ تدوین‌کنندگان: آذرفرینغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید؛ ترجمه و یادداشت: فریدون فضیلت؛ ویراست دوم، تهران: برسم.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۸۸ش)؛ مزدپرستی در ایران قدیم: تحقیقاتی در باب کیش زرتشتی ایران باستان؛ ترجمه: ذبیح‌الله صفا؛ تهران: هیرومند.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۸ش)؛ استعاره: مقدمه‌ای کاربردی؛ ترجمه: جهان‌شاه میرزابیگی؛ چ سوم، ویراست دوم، تهران: آگاه.
- گات‌ها؛ کهن‌ترین بخش اوستا (۱۳۹۴ش)؛ به کوشش: ابراهیم پورداود؛ چ چهارم. تهران: اساطیر.
- لیکاف، جورج و مارک ترنر (۱۳۹۹ش)؛ فراسوی عقل سرد (راهنمای تخصصی استعاره شعری)؛ ترجمه: مونا بابایی؛ تهران: نشر نویسه پارسی.
- مالاندرا، ویلیام. و (۱۳۹۱ش)؛ مقدمه‌ای بر دین ایران باستان بر اساس متن‌هایی از اوستا و کتیبه‌های هخامنشی؛ ترجمه: خسرو قلی‌زاده؛ تهران: بنگاه ترجمه و کتاب پارسه.
- متن‌های پهلوی (۱۳۹۱ش)؛ گردآورنده: جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا؛ پژوهش سعید عریان؛ تهران: نشر علمی.

مزدآپور، کتابیون (۱۳۹۴ ش)؛ «اهورامزدا» در: ادیان و مذاهب در ایران باستان؛ ویراستاران: فرنگیس پرویزی و مریم ربانی؛ تهران: سمت.

موله، ماریان (۱۳۹۵)؛ آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان: مسئله سنت زرتشتی و مزدایی؛ ترجمه: محمد میرزایی؛ تهران: نگاه معاصر.

ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۷ ش)؛ دین‌های ایران؛ ترجمه: منوچهر فرهنگ؛ تهران: آگاهان ایده.

هرمزدیششت (۱۳۹۴ ش)؛ تفسیر و تألیف: ابراهیم پورداود؛ ج اول، چ دوم، تهران: اساطیر.

هیربدستان اوستا و زند (۱۴۰۱ ش)؛ گردآوری و ترجمه: فریناز اطمینان؛ تهران: برسم.

هینلز، جان (۱۳۹۵ ش)؛ شناخت اساطیر ایران؛ ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی؛ چ نوزدهم، تهران: چشمه.

یسنا (۱۳۸۷ ش)؛ تفسیر و تألیف: ابراهیم پورداود؛ چ دوم، تهران: اساطیر.

یشت‌ها (۱۳۹۴ ش)؛ تفسیر و تألیف: ابراهیم پورداود؛ ج دوم، چ دوم، تهران: اساطیر.

Azarnouche, Samra. (2020). "Religions de l'Iran ancien: études zoroastriennes", *Annuaire de l'École pratique des hautes études (EPHE), Section des sciences religieuses*, 127 | 2020, 59-70. doi.org/10.4000/asr.3232

De Menasce, Jean-Pierr. (1975). *Le Troisième Livre Du Dēnkart*. Traduit de Pehlevi. Paris: Librairie C. Klincksieck.

De Menasce, Jean-Pierre. (1958). "Une Encyclopédie Mazdiénne, le Dēnkart", In: *journal of Bibliothèque de l'École Pratique des Hautes Études, Sciences Religieuses*, LXIX, 117 pp. Paris. Presses Universitaires de France.

Dinshaw Vevaina, Yohan Sohrab. (2015). "Theologies and Hermeneutics", In: *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*. Edited by Michael Stausberg, Yohan Sohrab – Dinshaw Vevaina and Anna Tessmann. John Wiley & Sons Inc. pp 211-234.

Jackson, A. V. Williams. (1965). *Zoroastrian Studies: The Iranian Religion and Various Monographs*. NY: AMS Press Inc.

Panaino, Antonio. (2015). "Cosmologies and Astrology, In: *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*. Edited by Michael Stausberg, Yohan Sohrab – Dinshaw Vevaina and Anna Tessmann. John Wiley & Sons Inc. pp 235-257.

- Skjærvø, Prods Okto. (2011). *The Spirit of Zoroastrianism*. New Haven, CT / London: Yale University Press.
- Terribili, Voir G. (2017). "Dēnkard III Language Variation and the Defence of Socio-Religious Identity in the Context of Early-Islamic Iran", *Open Linguistics* 3 (2017), p. 396-418. doi.org/10.1515/opli-2017-0020
- Williams, A, Herzig, E (ed.) & Stewart, S (ed.) (2012), »Authority and Identity in the Pahlavi Books«, In: *Early Islamic Iran: The Idea of Iran*, Vol 5, Macmillan Publishers Ltd, London & New York, pp. 139-152.
- Zaehner, R. C. (1961). *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*. NY: G. P. Putnam's Sons.
- Ahmadvand, S; Bordbar, A. (2019). "State Formation in Ancient Iran: Transition from Mythological Age to the Establishment of Achaemenid State", *State Studies*, 5(19), 81-106. doi: 10.22054/tssq.2019.39483.643 [In Farsi]
- Ahmadvand, S; Eslami, R. (2020). *Political Thought in Ancient Iran*. 3rd Edition. Tehran: SAMT. [In Farsi]
- Amoozegar, J. (2014). *Mythological History of Iran*. Sixteenth edition. Tehrān: SAMT. [In Farsi]
- Azarnouche, S. (2020). "Religions de l'Iran ancien: études zoroastriennes", *Annuaire de l'École pratique des hautes études (EPHE), Section des sciences religieuses*, 127 | 2020, 59-70. doi.org/10.4000/asr.3232
- Bahār, M. (1996). *Research in Iranian Mythology (The first part and the second part)*. Editor Katāyoun Mazdāpour. Tehrān: Āgah. [In Farsi]
- Boyce, M. (2009). *An essay on Zoroastrian philosophy (collection of articles)*. Translators: Saeed Zāre, Saeedrezā Montazeri, Nilofarsādāt Nawab. Qom: University of Religions and Denominations. [In Farsi]
- Boyce, M. (2014). "Middle Persian Literature", In: *Three Essays on the Iranian Literature in the Pre – Islamic Period*. Written by Ilya Gershevitch and Mary Boyce. Translated by Yadullāh Mansouri. Tehran: Āvāy Khāvar. Pp. 78-152.]In: Farsi[
- Christensen, A. (2009). *Mazdaism in Ancient Iran: Research on the Zoroastrian Religion of Ancient Iran*. Translated by Zabihollāh Safa. Tehrān: Hirmand. [In Farsi]
- Daryae., (2018). *Sassanid World (Articles about Iranshahr)*. Translated by Mahnāz Bābāei. Tehrān: Fravahr. [In Farsi]

- De Menasce, J. (1958). "Une Encyclopédie mazdiénne, le Dēnkart", In: journal of Bibliothèque de l'École Pratique des Hautes Études, Sciences Religieuses, LXIX, 117 pp. Paris. Presses Universitaires de France.
- De Menasce, J. (1958). "Zoroastrian religion: official state religion", In: Iranian civilization; The work of several French orientalist. Translated by Isā Behnām. Tehrān: Book Translation and Publishing Company. [In Farsi]
- De Menasce, J. (1975). Le Troisième Livre Du Dēnkart. Traduit de Pehlevi. Paris: Librairie C. Klincksieck.
- De Menasce, J. (1975). "Zoroastrian Literature after the Muslim Conquest", In R.N. Frye (ed.), From the Arab Invasion to the Saljuqs. The Cambridge History of Iran 4, Cambridge: 543-565. [In Farsi]
- Dēnkard's Third Book. (2020). Editors by Āzarfaranbagh son of Farrokhzād and Āzarbād son of Omid. Translated by Fereydoun Fazilat. 2nd Edition. Tehrān: Barsam. [In Farsi]
- Dinshaw vevaina, Y S. (2015). "Theologies and Hermeneutics", In: The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism. Edited by Michael Stausberg, Yohan Sohrab – Dinshaw Vevaina and Anna Tessmann. John Wiley & Sons Inc. pp 211-234.
- Duchesne-Guillemin, J. (1996). The Religion of Ancient Iran. Translated by Royā Monjem. Tehrān: Fekr Rooz. [In Farsi]
- Ensāfi, M; Ahmadvand, S. (2019). "Religion and Government in Sasanian Era: Introduction to Zarathustra's Political Theology". Political and International Approaches, 11(1), 34-57. doi: 10.29252/piaj.2019.99861 [In Farsi]
- Hinnells, J. (2016). Understanding Iranian Mythology. Translated by Jāleh Amoozegār and Ahmad Tafazoli. Nineteenth edition. Tehrān: Cheshmeh. [In Farsi]
- Hirbadestan' Avesta and Zand. (2022). Compilation and Translated by Farināz Etminān. Tehrān: Barsam. [In Farsi]
- Hormazd Yašt. (2015). First Volume. Interpretation and Authorship of Ebrāhim pourdāvoud. 2nd Edition. Tehrān. Asātir. [In Farsi]
- Jackson, A. V. W. (1965). Zoroastrian Studies: The Iranian Religion and Various Monographs. NY: AMS Press Inc.
- Kaviani, S. (2006). "Wisdom in the Thought of Ancient Iran and Zoroastrianism", In: Roshanan Sepehr Andisheh; Philosophy and Aesthetics in the Light of Ancient Iranian Culture. 2nd Edition. Tehrān: Badregheh Jāvidan. [In Farsi]

- Kovecses, Z. (2019). *Metaphor: A Practical Introduction*. Translated by Jahānshāh Mirzābeigi. Tehrān: Āgāh. [In Farsi]
- Lakoff, G; Turner, M. (2020). *More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Translated by Monā bābāei. Tehrān: Neveeseh Pārsi Publication. [In Farsi]
- Malandra, W. (2012). *An Introduction to Ancient Iranian Religion: Readings from the Avesta and the Achaemenid Inscriptions*. Translated by Khosrow Gholizadeh. Ketāb Pārsē. [In Farsi]
- Mazdapour, K. (2015). "Ahoura Mazda", In: *The Religions of Ancient Iran*. Editors by Farangis Parvizi and Maryam Rabbāni. Tehrān: SAMT. [In Farsi]
- Mole, M. (2016). *Religion, Myth and Cosmology in Ancient Iran: The Problem of Zoroastrian and Mazdaean Tradition*. Translated by Mohammad Mirzāi. Tehrān: negāh Moāser. [In Farsi]
- Oryān, S. (2019). "Monotheistic attitude in Sassanid Zoroastrian Religion", In: *Collection of articles on linguistics and Iranology*. Endeavor by Maryam Hātami. Tehrān: Barsam. [In Farsi]
- Pahlavi Texts. (2012). Compiler by Jamasb-ji Dastur Manouchehr Ji Jamasb Asana. Research by Saeed Oryān. Tehrān: Elmi. [In Farsi]
- Panaino, A. (2015). "Cosmologies and Astrology, In: *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*. Edited by Michael Stausberg, Yohan Sohrab – Dinshaw Vevaina and Anna Tessmann. John Wiley & Sons Inc. pp 235-257.
- Panaino, A. (2020). "Sacred Kingship and Other Symbolic Aspects of Royalty in Achaemenid and Sasanian Ideology". In: *The Institution of the Kingdom in Ancient Iran*. Compilation Touraj Daryāe. Translated by Mahnāz Bābāei. Tehrān: Ābi Pārsi; Pole Firouzeh. [In Farsi]
- Rezaei-Rād, Mohammad. (2010). *The Foundation of Political Thought in the Mazdaic Wisdom* 2nd Edition. Tehrān: Tarhe nou. [In Farsi]
- Shaked, S. (1995). *Dualism in Transformation: Varieties of Religion in Sasanian Iran*. Translated by seyed Ahmadreza Ghāemmaghani. Tehrān: Māhi. [In Farsi]
- Shaked, S. (2000). *From Zoroastrian Iran to Islam: Studies on the history of religion and intercultural contacts*. Translated by Morteza Saghebfar. Tehrān: Ghoghnous. [In Farsi]
- Skjærvø, P. O. (2011). *The Spirit of Zoroastrianism*. New Haven, CT / London: Yale University Press.
- Terribili, V. G. (2017). "Dēnkard III Language Variation and the Defence of Socio-Religious

- Identity in the Context of Early-Islamic Iran”, *Open Linguistics* 3 (2017), p. 396-418. doi.org/10.1515/opli-2017-0020
- The Gāhān: The Oldest Part of the Avesta. (2015). Endeavor by Ebrāhim Pourdāvoud. 4rd Edition. Tehrān: Asātīr. [In Farsi]
- Widengren, G. (1998). Iranian religions. Translated by Manoochehr Farhang. Tehrān: Agāhān Ideh. [In Farsi]
- Williams, A, Herzig, E (ed.) & Stewart, S (ed.). (2012). “Authority and Identity in the Pahlavi Books”, In: *Early Islamic Iran: The Idea of Iran, Volume 5*. 1 edn, vol. 5, Macmillan Publishers Ltd, London & New York, pp. 139-152.
- Yasna. (2008). Interpretation and Authorship of Ebrāhim Pourdāvoud. 2nd Edition. Tehrān: Asātīr. [In Farsi]
- Yašts. (2014). The second volume. Interpretation and Authorship of Ebrāhim Pourdāvoud. 2nd Edition. Tehrān: Asātīr. [In Farsi]
- Zaehner, R. C. (1961). *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*. NY: G. P. Putnam’s Sons.
- Zaehner, R. C. (2005). *Zorwan or the Riddle of Zoroastrianism*. Translated by Teymour Ghāderi. Tehrān: Amirkabir. [In Farsi]

References

- Ahmadand, Shoja and Ahmadreza Bordbar. 1398 Sh. “Mabānī-yi dīnī-yi dawlat dar Iran bāstān az dawrih-yi asāfīrī tā dawlat-i Hakhāminishī” [The religious foundations of government in ancient Iran from the mythical era to the Achaemenid government]. *Dawlat-pazhūhī* 5, no. 19 (December): 81-106.
- Ahmadvand, Shoja and Rouhollah Eslami. 1399 Sh. *Andīshih-yi siyāsī dar Iran bāstān*. Tehran: Samt.
- Amoozegar, Zhaleh. 1393 Sh. *Tārīkh-i asāfīr-i Iran* [History of Iranian myths]. Tehran: Samt.
- Bahar, Mehrdad. 1375 Sh. *Pazhūhishī dar asāfīr-i Iran (pārih-yi nukhust va pārih-yi duyum)* [A study of Iran’s myths (first and second parts)]. Edited by Katayoun Mazdapour. Tehran: Agah.
- Boyce, Mary. 1388 Sh. *Justārī dar falsafih-yi Zartushī (majmū‘ih maqālāt)* [An inquiry into

- Zoroastrian philosophy (collection of articles)]. Translated by Saeed Zare, Saeedreza Montazeri, and Niloofar Sadat Navvab. Qom: University of Religions and Denominations.
- Boyce, Mary. 1394 Sh. “Adabiyāt-i Fārsī-yi miyānih” [Middle Persian Literature]. In *Sih guftār darbārih-yi adabiyāt-i Iran pīsh az Islam* [Three essays on pre-Islamic literature of Iran], translated by Yadollah Mansouri. Tehran: Avaye Khavar.
- Christensen, Arthur. 1388 Sh. *Mazdāparastī dar Iran-i qadīm: taḥqīqātī dar bāb-i kīsh-i Zartushtī-i Iran-i bāstān* [Mazdaism in ancient Iran: studies of Zoroastrianism in ancient Iran]. Translated by Zabihollah Safa. Tehran: Hirmand.
- Daryaei, Touraj. 1397 Sh. *Jahān Sāsānī (maqālātī darbārih-yi tāriḥ-i Irānshahr)* [The Sasanian world (essays on the history of Iran)]. Translated by Mahnaz Babaee. Tehran: Foruhar.
- de Menasce, Jean. 1337 Sh. “Mazhab-i Zartusht: mazhab-i rasmī-yi dawlatī” [Zoroastrianism: the official governmental religion]. In *Tamaddun-i Irānī* [Iranian civilization], written by several French orientologists and translated by Isa Behnam. Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab.
- de Menasce, Jean. 1385 Sh. “Adabiyāt-i Zartushtī pas az futūḥ-i Musalmānān” [Zoroastrian literature after Muslim conquests]. In *Tāriḥ-i Iran: az zuḥūr-i Islam tā āmadan-i dawlat-i Saljuqiyan va az furūpāshī-yi dawlat-i Sāsāniyan tā āmadan-i Saljūqiyan* [History of Iran: from the advent of Islam to the emergence of the Seljuk dynasty and from the fall of the Sasanian government to the rise of Seljuks], edited by Richard N. Frye and translated by Hassan Anooosheh. Tehran: Amir Kabir.
- Denkard, Book 3. 1399 Sh. Edited by Azar Faranbagh son of Farrukhzad and Azarbad the son of Omid. Translated by Fereydoon Fazilat. Tehran: Barsam.
- Duchesne-Guillemin, Jacques. 1375 Sh. *Dīn-i Iran bāstān* [Religion of ancient Iran]. Translated by Roya Monajjem. Tehran: Fekr-e Rooz.
- Ensafi, Mostafa and Shoja Ahmadvand. 1398 Sh. “Dīn va dawlat dar ‘ahd-i Sāsānī: darāmadī bar ilāhiyyāt-i siyāsī-yi Zartusht” [Religion and state during the Sasanian era: an introduction to Zoroaster’s political theology]. *Rahyāf-hāyi siyāsī va baynulmilālī* 11, no. 1: 34-57.
- Gatha. 1394 Sh. Edited by Ebrahim Poordavood. Tehran: Asatir.

- Hinnells, John Russell. 1395 Sh. *Shinākht-i asāṭīr-i Iran* [Persian Mythology]. Translated by Zhaleh Amoozegar and Ahmad Tafazzoli. Tehran: Cheshmeh.
- Hirbodistan Avesta va Zand. 1401 Sh. Edited and translated by Farinaz Etminan. Tehran: Barsam.
- Hormuzd Yasht. 1394 Sh. Annotated by Ebrahim Poordavood. Tehran: Asatir.
- Kaviani, Shiva. 1385 Sh. “Khirad [‘aql] dar andīshih-yi Iran-i bāstān va āyīn-i Zartusht” [Reason in the thoughts of ancient Iran and Zoroastrianism]. In *Rawshanān sipihr-i andīshih: falsafih va zībāyīshināsī dar partuv-i farhang-i Iran-i bāstān* [The illuminated sphere of thought: philosophy and aesthetics in light of the culture of ancient Iran]. Tehran: Badragheh Javidan.
- Kövecses, Zoltán, 1398 Sh. *Istī‘ārih: muqaddami’ī kārburdī* [Metaphor: A Practical Introduction]. Translated by Jahanshah Mirzabeigi. Tehran: Agah.
- Lakoff, George and Mark Turner. 1399 Sh. *Farāsūyi ‘aql-i sard: rāhnāmāyi takhaṣṣuṣī-yi istī‘ārih-yi shi’rī* [More than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor]. Translated by Mona Babae. Tehran: Nashr-e Neviseh-ye Parsi.
- Malandra, William W. 1391 Sh. *Muqaddami’ī bar dīn-i Iran-i bāstān bar asās-i matn-hāyī az Avesta va katībih-hāyī Hakhāmanishī* [An Introduction to Ancient Iranian Religion: Readings from the Avesta and the Achaemenid Inscriptions]. Translated by Khosro Gholizadeh. Tehran: Parseh Translation and Book Corporation.
- Matn-hāyī Pahlavi (Pahlavi texts). 1391 Sh. Compiled by Jamasp Jay Dastur Manucheher Jay Jamasp Asana and edited by Saeed Oryan. Tehran: Elmi Publications.
- Mazdapour, Katayoun. 1394 Sh. “Ahura Mazda.” In *Adyān va mazāhib dar Iran-i bāstān* [Religions and denominations in ancient Iran]. Edited by Farangis Parvizi and Maryam Rabbani. Tehran: Samt.
- Mole, Marijan. 1395 Sh. *Āyīn, ustūrih va kayhān-shināsī dar Iran-i bāstān: mas’alih-yi sunnat-i Zartushtī va Mazdāyī* [Cult, myth and cosmology in ancient Iran: the Zoroastrian problem and the Mazdenan tradition]. Translated by Mohammad Mirzaee. Tehran: Negah-e Moaser.

- Oryan, Saeed. 1398 Sh. “Nigarish-i tawḥīdī dar dīn-i Zartushtī-yi Sāsānī” [The monotheistic perspective in Sasanian Zoroastrianism]. In *Majmū‘ih maqālāt-i zabānshināsī va Iran-shināsī* [Collection of essays on linguistics and Iranology], edited by Maryam Hatami. Tehran: Barsam.
- Panaino, Antonio. 1399 Sh. “Pādishāhī-yi muqaddas va dīgar janbih-hāyi namādīn-i salṭanatī dar ideology-yi Hakhāmanishiyān va Sāsāniyān” [Sacred Kingship and other Symbolic Aspects of Royalty in Achaemenid and Sasanian Ideology]. In *Nahād-i pādishāhī dar Iran bāstān* [Persian Kings], edited by Touraj Daryaei, translated by Mahnaz Babaei. Tehran: Moasseseh-ye Abi Farsi va Pol-e Firuzeh.
- Rezaeeraad, Mohammadreza. 1389 Sh. *Mabānī-yi andīshih-yi siyāsī dar khīrad Mazdāyī* [The foundations of political thought in Mazdaist reason]. Tehran: Tarh-e Now.
- Shaked, Shaul. 1378 Sh. *Taḥavvul-i sanaviyyat: tanavvu‘-i ārāyi dīnī dar ‘aṣr-i Sāsānī* [Dualism in Transformation]. Translated by Seyyed Ahmadreza Ghaemmaghami. Tehran: Mahi Publications.
- Shaked, Shaul. 1381 Sh. *Az Iran-i Zartushtī tā Islam: muṭālī‘ātī darbārih-yi tāriḵh-i dīn va tamās-hāyi miyān-farhangī* [From Zoroastrian Iran to Islam: Studies in Religious History and Intercultural Contacts]. Translated by Morteza Saghebfar. Tehran: Qoqnoos.
- Widengren, Geo. 1377 Sh. *Dīn-hāyi Iran* [The religions of Iran]. Translated by Manouchehr Farhang. Tehran: Agahan Ideh.
- Yashtha. 1394 Sh. Annotated by Ebrahim Poordavood. Tehran: Asatir.
- Yasna. 1387 Sh. Annotated by Ebrahim Poordavood. Tehran: Asatir.
- Zaehner, Robert Charles. 1384 Sh. *Zurvan yā mu‘ammā-yi Zartushtīgarī* [Zurvan: a Zoroastrian Dilemma]. Translated by Teimour Ghaderi. Tehran: Amir Kabir.